بررسی نقش واسطه‌ای جوعاطفی خانواده در رابطه میان تاب‌آوری و شادکامی در دانش‌آموزان

دکتر حسین سوری [۱]
دکتر کورش امرایی [۲]
قباد ناصری‌نیا [۳]
امین مرادنژاد [۴]

چکیده

هدف از پژوهش حاضر شناسایی نقش واسطه‌ای جوعاطفی خانواده در رابطهٔ میان تاب‌آوری با شادکامی بوده است. روش پژوهش غیرآزمایشی و طرح آن از نوع همبستگی (پیش‌بین) است. جامعه آماری این تحقیق دانش‌آموزان دختر و پسر دورهٔ متوسطه دوم (سال دوم، سوم و پیش‌دانشگاهی یا همان سال چهارم) با میانگین سنی ۱۶ سال شهر بروجرد در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بوده است. بر اساس جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) ۳۲۰ نفر از این جامعه برای نمونه کفایت می‌کند، اما با توجه به ریزش و برای کفایت بهتر ۳۸۰ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسشنامه‌های جو عاطفی خانواده هیل‌برن (۱۹۶۴)، مقیاس تاب‌آوری کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) و همچنین پرسشنامه شادکامی آکسفورد (۲۰۰۲) گردآوری شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آماری تحلیل مسیر و نرم‌افزار لیزرل (Lisrel 8.8) استفاده شد. با توجه به نتایج و بر اساس شاخصهای موجود (NFI، CFI، AGFI، GFI، RMSEA) می‌توان گفت که مدل تجربی از برازش لازم برخوردار است و جو عاطفی خانواده می‌تواند میانجی روابط تاب‌آوری با شادکامی باشد. با توجه به یافته‌های پژوهش جوعاطفی خانواده در رابطهٔ میان تاب‌آوری و شادکامی دانش‌آموزان به مثابه واسطه عمل می‌کند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که تاب‌آوری افزایش جوعاطفی مثبت خانواده را در پی دارد و جوعاطفی خانواده نیز زمینهٔ لازم را برای برخوردار شدن از سطوح بالاتر شادکامی فراهم می‌آورد. نتیجه کلی پژوهش اینکه تاب‌آوری بر جوعاطفی و جوعاطفی نیز بر شادکامی تأثیرگذار است.

کلیدواژگان: جوعاطفی خانواده، تاب‌آوری، شادکامی، دانش‌آموز

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۷

۱. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) hossein.souri@pnu.ac.ir
۲. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه لرستان amraei.k@lu.ac.ir.
۳. کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بروجرد ghobad.naseri@yahoo.com
۴. مربی گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران moradn.amin@gmail.com

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.2.6]

مقدمه

انسانها به طور فطری، در جستجوی حالات مطلوب و خوشایند در زندگی اند. صفتهایی چون شادی و غم، شجاعت و ترس، اعتماد به نفس و تاب‌آوری ریشه در احساسات انسانها دارند. در سالهای اخیر رویکرد روانشناسی مثبت‌گرا، با تمرکز بر استعدادها و توانمندیهای انسان (به جای پرداختن به نابهنجاریها و اختلالها)، مورد توجه روانشناسان قرار گرفته است. این رویکرد، هدف نهایی خود را شناسایی سازه‌ها و شیوه‌هایی می‌داند که بهزیستی و شادکامی انسان را در پی دارند. انسانها در طول زندگی خود با درجاتی از سختیهای گوناگون روبه رو می‌شوند.

شادکامی یکی از متغیرهای مهم در روانشناسی مثبت‌نگر است. شادکامی دربر دارندهٔ خشنودی، لذت، خوشایندی و شادی است. از این‌رو، شماری از روانشناسان آن را اصطلاحی چتری و دربرگیرندهٔ انواع ارزشیابیهایی می‌دانند که فرد از خود و زندگی‌اش به عمل می‌آورد. این ارزشیابیها مواردی مانند رضایت از زندگی، هیجان و خلق مثبت و فقدان افسردگی است. برای شادکامی تعاریف متفاوتی ارائه شده است. از جمله شادکامی نوعی ارزشیابی است که فرد از خود و زندگی‌اش دارد (بیس‌واس دینر و دین[1]، ۲۰۱۰). ادینگتون و شومن[2] (۲۰۰۵) شادمانی را میزانی که یک فرد در مورد کیفیت کلی مطلوبیت زندگی‌اش قضاوت می‌کند، تعریف می‌کنند. بنابراین شادکامی حالتی است که فرد میان امیال ارضا شده و کل امیال خود مطلوب‌ترین نسبت را می‌یابد. توانایی احساس خوشبختی کردن با زندگی خود، لذت بردن از خود و دیگران، داشتن احساسات مثبت، صریح، مفرح و شوخ است. همچنین شادکامی مهارتی هیجانی است که کم و بیش و به طور پیوسته رضایت‌خاطر و خشنودی ما را نسبت به زمان حال، حفظ می‌کند (فیچت[3] و همکاران، ۲۰۱۳). وین‌هون[4] (۲۰۱۰) شادکامی را ارزیابی کلی ذهنی فرد از کیفیت زندگی خود تعریف می‌کند، به عبارت دیگر، فرایند خودارزیابانه احساسی و شناختی فرد از محیط انگیزشی خویش است. کار[5] (۲۰۰۴) نیز معتقد است شادکامی از نیازهای اساسی بشر است که افراد برای به وجود آوردن یک زندگی بارور به آن نیاز مبرم دارند.

همان‌طور که وین‌هون (۲۰۱۰) خاطر نشان کرده، شادکامی و به تعبیری، رضایت از زندگی از عناصر اصلی رفاه ذهنی است. شادکامی احساسی است که همه خواهان آن هستند اما شمار اندکی

1. Biswas-Diener & Dean
2. Eddington & Shuman
3. Feicht
4. Veenhoven
5. Carr

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.2.6]

از ما به آن دست می‌یابیم. نشانه شخصی چنین احساسی، قدردانی، احساس رضایت درونی و علاقه به خود و دیگران است. عادی‌ترین حالت ذهنی، حالت خشنودی است. شادی نه تنها به سطح بالایی از عاطفه یا هیجان مثبت بستگی دارد بلکه به بخش عمیق‌تر رضایت کلی از زندگی نیز وابسته است (پورتقی، ۱۳۹۴). همچنین افکار مثبت احساسات مثبتی را در فرد به وجود می‌آورد که این احساسات مثبت رفتارهایی مطلوب را در پی دارد و این فرایند به شادکامی و افزایش سلامت روانی در افراد می‌انجامد (سین و لیوبومیرسکی[1]، ۲۰۰۹). نتایج حاصل از پژوهش وینیچوک و دلگووا[2] (۲۰۱۶) نشان داد که تفاوت در نگرش به شادکامی در تصاویری مشخص است که کودکان پیش‌دبستانی می‌کشند. کودکان با سطح بالایی از خلاقیت شادکامی را به مثابه یک پدیده عاطفی تفسیر می‌کنند.

تاب‌آوری، یکی دیگر از مفاهیم و سازه‌های بهنجار مورد توجه و مطالعه روانشناسی مثبت‌نگر است و به سازگاری موفقیت‌آمیز با وجود چالشها و تهدیدها اشاره دارد. تاب‌آوری روانشناختی به فرایند پویای انطباق و سازگاری مثبت با تجارب تلخ و ناگوار در زندگی گفته می‌شود. زاوترا، هال و ماری[3] (۲۰۱۰) معتقدند که تاب‌آوری یعنی سازگاری موفق با شرایط ناگوار. از این‌رو تاب‌آوری، استرس را محدود نمی‌کند، مشکلات زندگی را پاک نمی‌کند، بلکه به افراد قدرت می‌دهد تا با مشکلات پیش‌رو مقابله سالم داشته باشند، بر سختیها فائق آیند و با جریان زندگی حرکت کنند (ماستن و رایت[4]،۲۰۱۰). همچنین تاب‌آوری توانایی غلبه بر ناسازگاری است و تجربه سبب افزایش آن می‌شود (توماس و آسلین[5]، ۲۰۱۸). نتایج پژوهش قلی‌پور و همکاران (۱۳۹۵) نشان داده که تاب‌آوری می‌تواند به منزلهٔ میانجی ارتباط میان ویژگیهای شخصیتی و شادکامی عمل کند و با افزایش تاب‌آوری، شادکامی بیشتری تجربه شود.

تاب‌آوری فرایندی پویاست، یعنی سازماندهی مجدد سیستمهای سازگاری برای ایجاد تاب‌آوری جدید در محیطهای جدید. بنابراین تاب‌آوری ممکن است در مراحل مختلف زندگی متفاوت باشد و می‌تواند تحت تأثیر تحول افراد در طول زمان قرار گیرد (لیمری–چالفانت[6]، ۲۰۱۰). به اعتقاد زاوترا و همکاران (۲۰۱۰) بهترین تعریفی که برای تاب‌آوری وجود دارد این است که آن را به مثابه سازگاری موفق با شرایط ناگوار در نظر بگیریم. تاب‌آوری، توانمندی فرد در برقراری

1. Sin & Lyubomirsky
2. Vinichuk & Dolgova
3. Zautra, Hall & Murray
4. Masten & Wright
5. Thomas & Asselin
6. Lemery-Chalfant

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.2.6]

تعادل زیستی و روانی، در شرایط ناگوار است (کانر و دیویدسون[1]، ۲۰۰۳). از این رو نمی‌توان آن را معادل بهبودی دانست، چون در بهبودی فرد پیامدهای منفی و مشکلات هیجانی و عاطفی را تجربه می‌کند (بونانو[2]، ۲۰۰۴). ساتلر و فونت[3] (۲۰۱۷) بیان می‌کنند که تاب‌آوری شامل سازوکاری پویا برای سازگاری موفقیت‌آمیز با اختلالاتی است که عملکرد، موجودیت یا فرایند رشد فرد را مورد تهدید قرار می‌دهد. تاب‌آوری به انطباق مثبت با شرایط نامساعد اشاره می‌کند. همچنین نتایج پژوهش ناوارو، یوبرو و لارانیاگا[4] (۲۰۱۷) بر اهمیت عملکرد محافظتی تاب‌آوری در پیامدهای قربانیان فضای مجازی تاکید می‌کند.

فیلیپس[5] و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی دریافتند که در مردان، شرایط اقتصادی ارتباطی قویتر با تاب‌آوری دارد، در حالی که برای زنان شرایط اجتماعی اولیه مؤثر است. یافته‌های این پژوهشگران نشان می‌دهند که تاب‌آوری پویاست و می‌تواند در سراسر طول عمر پرورش یابد و به طور کلی با سلامت همراه است. از آنجایی که تاب‌آوری یک متغیر قابل آموزش و قابل تغییر است، می‌توان با افزایش تاب‌آوری در افراد شادکامی آنها را افزایش داد. وقتی که فرد به تواناییهای خود برای اثرگذاری بر نتایج رویدادها ایمان داشته باشد، این موجب احساس کارآمدی و تاب‌آوری فرد می‌شود و این شادکامی فرد را در پی دارد. در نتیجه حالت تسلط بر محیط افزایش می‌یابد و به بهبود عملکرد فرد و بهداشت روانی و شادکامی او در آینده می‌انجامد (سوری، حجازی و سوری‌نژاد، ۱۳۹۳). یافته‌های پژوهشهای جدید از جمله توماس و آسلین (۲۰۱۸) نشان می‌دهند که موقعیت تسهیل‌کننده تاب‌آوری در آموزش بالینی ممکن است مباحثه‌ای برای شیوه‌های آموزشی آینده ایجاد کند.

یکی از عواملی که می‌تواند در تاب‌آوری و شادکامی مؤثر باشد، خانواده و جو حاکم بر آن است. خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی انسان‌ساز است که بیش از نهادهای دیگر در رشد و تکامل فرد تأثیر می‌گذارد. فضای عاطفی، کیفیت الگوی ارتباطی و ارزشهای اساسی حاکم بر خانواده در نحوهٔ شکل‌گیری پایه‌های شخصیتی و ویژگیهای روانی‌رفتاری اعضا تأثیر ژرف و پایدار می‌گذارد. بنابراین جوعاطفی خانواده به مجموع روابط و تعاملات عاطفی که میان اعضای یک خانواده وجود دارد، همانند بیان احساسات و علایق، نحوهٔ ارتباط و طرز برخورد افراد با یکدیگر گفته می‌شود

1. Conner & Davidson
2. Bonanno
3. Sattler & Font
4. Navarro, Yubero & Larrañaga
5. Phillips

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.2.6]

(قائمی، ۱۳۸۱). ارتباط میان کودک و والدین نیرومندترین و قوی‌ترین نوع ارتباط است. وقتی که محیط سالم و سرشار از عاطفه و محبت باشد، کودک رشد مطلوب خود را آغاز می‌کند و احساس اعتماد و امنیت در او شکل می‌گیرد. تعامل میان مادر و کودک تعیین می‌کند که آیا کودک دنیا را با نگرش اعتماد خواهد دید یا بی‌اعتمادی. اگر مادر به نیازهای جسمانی کودک پاسخ دهد و محبت و عشق و امنیت کافی برای او تأمین کند از آن پس، کودک شروع به پرورش حس اعتماد خواهد کرد و نگرش او نسبت به پدر و مادر و اطرافیان مثبت خواهد بود. همچنین اگر مادر رفتاری طرد کننده، بی‌ثبات و بی‌توجه داشته باشد، نگرش بی‌اعتمادی را در کودک پرورش خواهد داد (اریکسون[1]، ۲۰۰۴).

خانواده در جوامع کنونی در حال تغییر و گذار از سنتی به مدرن و از گسترده به هسته‌ای است و کارکردهایش هم در حال از دست رفتن است (اسماعیل، راملی و مهد راسدی[2]، ۲۰۰۸). مهم‌ترین تغییر، تغییر در مناسبات و روابط است، هم رابطه درون خانواده و هم رابطه بیرون خانواده. رابطه والدین با هم، رابطه والدین با فرزندان و رابطه خانواده با خانواده‌های جدیدی که به‌وجود می‌آیند (لیونگ، کائو و لی[3]، ۲۰۰۴). ژائو[4] (۲۰۱۲) معتقد است که نقش‌آفرینی فرزند در درون خانواده معطوف به فرایندهای تولید و خلق ارزش در جامعه خواهد شد. پارکر و بنسون[5] (۲۰۰۵) در پژوهش خود مشاهده کردند که حمایت والدین سبب دلبستگی بیشتر میان آنها و فرزندانشان و افزایش سلامت روان خانواده می‌شود. همچنین آزمودنیهای نوجوانی که والدین خود را حمایت‌کننده درک می‌کردند، تمایل به رفتار بزهکارانه، بدعملکردی در مدرسه، سوء مصرف مواد و فرار از منزل کمتری داشتند.

جوعاطفی خانواده به روابط والدین با فرزندان و چگونگی ارضای نیازهای عاطفی فرزند اشاره دارد که در این راستا لازم است که خانواده محیط سالم و آرامی برای فرزندان باشد تا چگونگی نحوه برخورد با مسائل و مشکلات اجتماعی را یاد بگیرند و بتوانند از راه معقول به حل آن بپردازند (واحدی، لطفی‌نیا و یوسفی‌شهیر، ۱۳۸۸). افزون بر این، دلبستگی به والدین در روابط میان تعارضات و تنظیم هیجان به عنوان میانجی عمل می‌کند. همچنین یافته‌ها از دلبستگی به والدین به عنوان یک ساز و کار در روابط میان تعارضات و تنظیم هیجانات حمایت می‌کنند

1. Erickson
2. Ismail, Ramly& Mohd Rasdi
3. Leong, Kao & Lee
4. Zhao
5. Parker & Benson

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.2.6]

(گانگ و پاولسون[1]، ۲۰۱۷). وارد (۲۰۰۴) معتقد است یکی از خصایص مهم دانش‌آموزانی که در جوعاطفی خانواده مناسبی قرار دارند این است که آنها واجد مهارت اجتماعی هستند؛ به عبارت دیگر می‌دانند در خصوص کنش و واکنشهای خود از کنترل بیشتری برخوردار هستند که در این راستا بسیاری از روانشناسان براین باور هستند که رشد ناکافی فرزند در محیط خانواده، نقش بسزا در ناکامی و شکستهای آتی دانش‌آموزان دارد (به نقل از زارعی و معصومی، ۱۳۹۶). هلکر و وسنیتزا[2] (۲۰۱۶) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که تعامل میان والد و فرزند، جو عاطفی خانواده و مسؤلیت‌پذیری والدین در انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان تأثیرگذار است.

متغیرهای بسیاری میان رابطهٔ تاب‌آوری و شادکامی، واسطه‌گری می‌کنند که در این میان جو عاطفی خانواده نقشی چشمگیر دارد. یکی از عواملی که می‌تواند درارتباط میان تاب‌آوری و شادکامی افراد نقش داشته باشد، خانواده و جو عاطفی حاکم بر آن است. قائمی (۱۳۸۱) معتقد است که محیط خانواده تأثیری ژرف بر رفتار، روابط میان- فردی، عزت نفس، انتظارات و نگرشهای افراد دارد. محیط خانواده در پیش‌بینی شادکامی و نحوهٔ انطباق افراد تأثیری اساسی دارد. روابط والد- فرزندی مثبت و حمایت کننده، والدگری با صلاحیت و توانمندی، سلامت روان والدین، خلق و خوی آسان و غیر دشوار کودک و توانایی شناختی بالاتر از عوامل حفاظتی برای افزایش تاب‌آوری کودکان هستند (رایت، ماستن و نارایان[3]، ۲۰۱۳). تعدادی از مطالعات پاداش غیرکلامی که نوجوانان در خانه تجربه می‌کنند را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته این پژوهشها نشان می‌دهد پاداش غیرکلامی ممکن است منجر به نتایج مثبت رشدی شود (سیکزنتمیهالی و راتاند[4]، ۲۰۱۴). همچنین هابر[5] و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند که در تاب‌آوری، خانواده نقش محوری دارد و فیلیپس (۲۰۱۲) بهزیستی و سلامت خانواده را بسیار مرتبط به هم می‌داند. همچنین یافته‌های پژوهش نورث[6] و همکاران (۲۰۰۸) نشان داده است که شادکامی می‌تواند در روابط خانوادگی و در همچنین تسهیل این روابط نقشی اساسی داشته باشد. جوعاطفی خانواده، ارتباط میان سابقه سوءاستفاده از کودکان و اختلال تجزیه‌ای را تعدیل می‌کند. علاوه بر این، اختلال تجزیه‌ای به طور قابل توجهی میان روابط سوء استفاده و پتانسیل سوء استفاده به مثابه متغیر واسطه‌ای عمل می‌کند

1. Gong & Paulson
2. Helker & Wosnitza
3. Wright, Masten & Narayan
4. Csikszentmihalyi & Rathunde
5. Huber
6. North

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.2.6]

(نارانگ و کونتراس[1]، ۲۰۰۵). محیط خانواده ناسالم به عنوان پیش‌بینی کنندهٔ راهبردهای مقابله‌ای ضعیف برای کودکان تعیین شده است (نارانگ و کنتراس، ۲۰۰۵). مثلاً به نظر می‌رسد اختلالات خاص والدین بر جو عاطفی خانواده تأثیر می‌گذارند (بیماریهای جسمی، عصبانیتهای مکرر، خلق افسرده مکرر، سوء استفاده از الکل و استفاده از آرام بخش) و پیشرفتهای کودکان را پیش‌بینی می‌کند (درایجر و لانگلند[2]، ۱۹۹۹). نوجوانانی که در خانواده ای با فضای منفی زندگی می‌کنند، در مقایسه با نوجوانانی که در محیطهای کارآمد زندگی می‌کنند، در مقابله با مشکلات کمتر از راهبردهای مسئله- مدار استفاده می‌کنند (استرن و زیوان[3]، ۱۹۹۰). جنبه‌های مثبت محیط خانوادگی (مثلاً انسجام و بیانگری) روابط منفی با راهبردهای مقابله‌ای خودسرزنشی داشتند، در حالی‌که استفاده از این راهبردهای مقابله‌ای به طور مثبت به روابط خانوادگی ناسازگار مربوط می‌شود (نارانگ و کنتراس، ۲۰۰۵).

این پژوهش همسو با ادبیات پژوهش به آزمون نقش واسطه‌ای جوعاطفی خانواده در رابطهٔ میان تاب‌آوری با شادکامی می‌پردازد. تلاش به منظور آگاهی از عوامل واسطه ای در ارتباط با تاب‌آوری و شادکامی پژوهشگران را در پیشبرد هدف خود مبنی بر به حداقل رساندن آسیبهای ناشی از عوامل تنش‌زا کمک خواهد کرد، به همین دلیل این پژوهش می‌تواند از لحاظ کاربردی راهگشای پژوهشهای آینده در این زمینه باشد. بر این اساس هدف پژوهش حاضر عبارت است از شناسایی نقش واسطه‌ای جو عاطفی خانواده در رابطهٔ میان تاب‌آوری و شادکامی.

روش‌شناسی

روش پژوهش، جامعهٔ آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش این پژوهش غیرآزمایشی و طرح آن از نوع همبستگی (پیش‌بین) است. جامعه آماری این تحقیق دانش‌آموزان دختر و پسر دورهٔ متوسطهٔ دوم (سال دوم، سوم و پیش دانشگاهی یا همان سال چهارم) با میانگین سنی ۱۶ سال شهر بروجرد در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بوده است. در این تحقیق ابتدا از اداره آموزش و پرورش شهرستان بروجرد مجوز کسب شد. با توجه به جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) ۳۲۰ نفر از این جامعه برای نمونه کفایت می‌کند، اما با توجه به ریزش و برای کفایت بهتر ۳۸۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه ها پاسخ دادند. در روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به این صورت عمل شد

1. Narang & Contreras
2. Draijer & Langeland
3. Stern & Zevon

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.2.6]

که ابتدا از میان دبیرستانهای شهر بروجرد چند دبیرستان انتخاب شد و در مرحله بعد از میان کلاسهای این دبیرستانها چند کلاس انتخاب شد و در مرحله آخر از دانش‌آموزان این کلاسها نمونهٔ پژوهش به صورت تصادفی ساده انتخاب شد. پس از تحویل پرسشنامه توضیحاتی در مورد پژوهش و پرسشنامه‌ها به نمونه‌های انتخاب شده ارائه شد و در نهایت وقت کافی برای پاسخ دادن به سؤالات در اختیار آنان قرار گرفت.

ابزار پژوهش

۱) مقیاس جوعاطفی خانواده هیل‌برن[1]: برای سنجش جوعاطفی خانواده از مقیاس جوعاطفی هیل‌برن (هیل‌برن، ۱۹۶۴؛ به نقل از موسوی شوشتری، ۱۳۷۶) استفاده شد. این پرسشنامه ۱۶ سؤال دارد و ۸ مؤلفه (محبت، نوازش، تأییدکردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشویق کردن، اعتماد و احساس امنیت) را می‌سنجد. سؤالهای فرد مربوط به رابطهٔ آزمودنی نسبت به پدر و سؤالهای زوج بیانگر همان رابطه و احساس نسبت به مادر است. در این پرسشنامه سؤالها پنج گزینه‌ای در مقیاس لیکرت (از خیلی کم، ۱ تا خیلی زیاد، ۵) نمره‌گذاری می‌شود.

رحمانی و محب (۱۳۹۰)، ضریب پایایی آزمون جوعاطفی خانواده را از طریق آلفای کرونباخ و بازآزمایی ۰/۸۳ به دست آوردند. در پژوهش جاودان (۱۳۹۳)، پایایی این آزمون که از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شد، ۰/۸۹ به‌دست آمده است. در همان پژوهش برای تعیین روایی محتوایی این پرسشنامه، از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که همهٔ متغیرها بار عاملی مناسب داشتند و این نشانگر روایی مناسب این ابزار است. همچنین در پژوهش کوتی، رجبی و سودانی (۱۳۸۶) برای تعیین روایی همزمان مقیاس فوق از پرسشنامه ملاکی (AFC) استفاده شده که ضریب روایی پرسشنامه ۰/۶۷ به دست آمده است. در پژوهش سراج‌خرمی و صفرزاده (۱۳۹۱) برای بررسی همسانی درونی مقیاس جوعاطفی خانواده از روشهای آلفای کرونباخ، تنصیف و گاتمن استفاده شد که به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۷۷ و ۰/۷۷ به دست آمد که نشان‌دهندهٔ پایایی قابل قبولی است. در پژوهش حاضر همبستگی درونی مقیاس جو عاطفی خانواده به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آمده است.

۲) مقیاس تاب‌آوری کانر و دیویدسون[2]: در این پژوهش برای سنجش تاب‌آوری افراد از مقیاس تاب‌آوری کانر و دیویدسون(۲۰۰۳) استفاده شده است. این پرسشنامه ۲۵ گویه دارد و در

1. Heilbrun's Parent-Child Interaction Rating Scale
2. The Conner-Davidson Resilience Scale

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.2.6]

مقیاس لیکرت میان صفر (هرگز) و ۵ (همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. این مقیاس اگرچه سطوح مختلف تاب‌آوری را می‌سنجد، ولی یک نمرهٔ کل دارد. سازندگان آزمون در گروههای گوناگون (عادی و خطر) روایی (به روش تحلیل عوامل و روایی همگرا و واگرا) و پایایی (به روش بازآزمایی و آلفای کرونباخ) مقیاس را به دست آورده‌اند. نتایج مطالعهٔ مقدماتی مربوط به ویژگیهای روان‌سنجی این مقیاس، پایایی و روایی آن را تأیید کرده است (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳).

محمدی (۱۳۸۴) با استفاده از روش آلفای کرونباخ، ضریب همسانی آن را ۰/۸۹ به دست آورده است. جوکار (۱۳۸۶) نیز در پژوهشی روی ۵۷۷ دانش‌آموز دبیرستانی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، همسانی درونی ۰/۹۳ را برای این مقیاس گزارش داده و با روش تحلیل عاملی مؤلفه‌های اصلی، وجود یک عامل را در این مقیاس تأیید کرده است. در پژوهش سامانی، جوکار و صحراگرد (۱۳۸۶) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ در میان دانشجویان به دست آمده است. در پژوهش سوری و همکاران (۱۳۹۳) آلفای کرونباخ ۰/۸۷ برای این پرسشنامه به دست آمده است. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ ۰/۹۳ برای این پرسشنامه به دست آمده است.

۳) پرسشنامه شادکامی آکسفورد[1]: این ابزار برای سنجش میزان شادکامی در پژوهش حاضر به کار رفته است. پرسشنامه شادکامی هیلز و آرگایل (۲۰۰۲)، دارای ۲۹ ماده است. هر یک از سؤالهای این آزمون دارای ۴ گزینه است که از صفر تا ۳ نمره‌گذاری می‌شوند.

در پژوهش علی‌پور و آگاه‌هریس (۱۳۸۶) بررسی همسانی درونی پرسشنامه شادکامی آکسفورد نشان داده است که تمام ۲۹ گزاره این فهرست با نمره کل همبستگی بالایی داشته اند و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۱ بود. در پژوهشی که علی‌پور و نوربالا (۱۳۷۸) با نمونه‌ای متشکل از ۱۰۱ نفر از دانشجویان دانشگاههای تهران انجام داده اند، ضریب همسانی درونی برای گروه مردان و زنان به ترتیب برابر ۰/۹۴ و ۰/۹ و اعتبار بازآزمایی پس از ۷ هفته ۰/۷۸ و ضریب پایایی بازآزمایی با فاصله زمانی سه هفته در یک نمونه ۲۵ نفری ۰/۷۹ به دست آمده است. عابدی و همکاران (۱۳۸۵) با استفاده از تحلیل عاملی به شش عامل رضایت از زندگی، احساس خوشی، عزت نفس، آرامش، احساس کنترل و کارآمدی دست یافته اند. در مجموع این شش عامل۷۳/۳۶ درصد از واریانس کل را تبیین کرده است. یافته‌های پژوهش نشان دادند که این پرسشنامه برای اندازه‌گیری شادکامی در جامعه ایرانی از پایایی مناسب برخوردار است. در پژوهش غلامعلی‌لواسانی و همکاران (۱۳۹۳)،

1. The Oxford Happiness Questionnaire

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.2.6]

پایایی این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به‌دست آمد. در پژوهش حاضر همبستگی درونی شادکامی به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به دست آمده است.

یافته‌ها

ابتدا مشخصات توصیفی (میانگین و انحراف معیار) متغیرهای پژوهش در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول۱: مشخصات (میانگین و انحراف معیار) متغیرهای پژوهش

متغیر	زن		مرد	
	M	SD	M	SD
تاب‌آوری	۴۵/۹۲	۱۷/۷۷	۴۹/۴۸	۱۴/۱
جو عاطفی	۵۴/۴۶	۱۳/۱۷	۵۰/۳	۱۷/۹
شادکامی	۴۵/۴۲	۱۷/۴۲	۴۶/۰۲	۱۵/۳

به منظور بررسی فرضیه اصلی پژوهش و برازش مدل پیش‌بینی، نتایج تحلیل مسیر و شاخصهای برازش مدلها در جدول ۲ گزارش شده است. پژوهشگران نسبت خی دو به درجه آزادی کمتر از ۳ (کلاین[1]، ۲۰۱۵)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI) بزرگتر یا مساوی ۰/۹۰ (براون و کودِک[2]، ۱۹۹۳)، جذر میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA) کمتر از ۰/۰۶ و شاخص برازش هنجار شده (NFI) بزرگتر از ۰/۹۰ (هو و بنتلر[3]، ۱۹۹۹) را از نشانه‌های برازش مناسب و از شاخصهای مطلوب برای ارزیابی مدل می‌دانند. با توجه به نتایج جدول ۲، مشاهده می‌شود که تمامی شاخصهای برازش به‌دست آمده از مطلوبیت بالایی برخوردارند که این نشانگر برازش مناسب داده‌ها با مدلهای فرضی مدنظر برای روابط ساختاری متغیرهای پژوهش است.

جدول۲. شاخصهای برازش مدل تجربی پژوهش

X^2 /DF	*p*	RMSEA	GFI	AGFI	CFI	NFI
۲۱/۶۰	۰/۰۱	۰/۱۵	۰/۹۳	۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۹۲

همانطور که جدول ۲ نشان می‌دهد با وجود اینکه شاخصهای برازش برای X2/df و RMSEA مطلوب حاصل نشده است، اما برازش مدل بر اساس شاخصهای موجود برقرار است و

1. Kline
2. Brown & Cudeck
3. Hu & Bentler

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.2.6]

می‌توان گفت که مدل تجربی از برازش لازم برخوردار است و جوعاطفی خانواده می‌تواند به مثابه متغیر واسطه‌ای در روابط میان تاب‌آوری با شادکامی باشد. علاوه بر این، تمامی ضرایب مسیر میان تمامی متغیرهای پژوهش به لحاظ آماری گزارش شده است (جدول ۳).

جدول ۳: اثرات مستقیم، غیرمستقیم، و کلی در مدل تجربی نهایی

	مسیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده
بر روابط با پدر					۰/۱۹
	تاب‌آوری	۰/۴۴	–	۰/۴۴	
بر روابط با مادر					۰/۲۴
	تاب‌آوری	۰/۴۹	–	۰/۴۹	
بر شادکامی					۰/۳۳
	روابط با پدر	۰/۲۰	۰/۰۹	۰/۲۹	
	روابط با مادر	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۱۰	
	تاب‌آوری	۰/۴۲	–	۰/۴۲	

بر اساس مسیرهای آزمون شده در جدول ۳، اثر تاب‌آوری بر روابط با پدر (۴۴/ = β، P<۰/۰۱) و روابط با مادر (۰/۴۹= β، P<۰/۰۱) معنادار به دست آمده است و این متغیر به ترتیب ۱۹ و ۲۴ درصد از واریانس هر یک را پیش‌بینی می‌کند. به عبارت دیگر اینکه با افزایش تاب‌آوری، روابط با پدر و روابط با مادر نیز بهبود می‌یابد، پس این متغیر توانایی پیش‌بینی واریانس جو عاطفی خانواده را دارد.

همچنین، نتایج تحلیل مسیر نشان دادکه اثر مستقیم (۰/۲۰= β، P<۰/۰۱)، اثر غیرمستقیم (۰/۰۹ =β، P<۰/۰۱) و اثر کلی (۰/۲۹ = β، P<۰/۰۱) روابط با پدر و اثر مستقیم تاب‌آوری (۰/۴۲= β، P<۰/۰۱) بر شادکامی معنادار به دست آمده است. بنابراین تاب‌آوری با روابط با پدر توانایی پیش بینی ۰/۳۳ از واریانس شادکامی را دارند. در شکل ۱ نمایش گرافیکی ساختار روابط متغیرها نمایش داده شده است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.2.6]

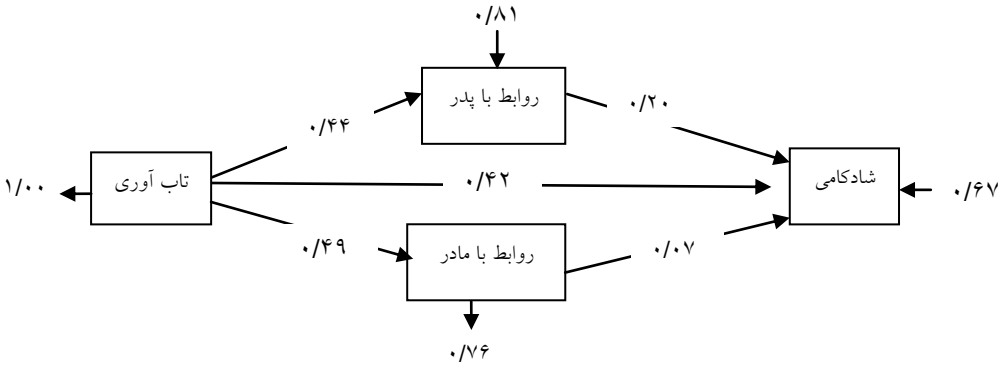

شکل۱: نمودار مسیرهای مدل برازش یافته باضرایب استاندارد

چنانچه متغیری در رابطه میان دو متغیر پیش‌بین و ملاک، سهمی داشته باشد، به عنوان متغیر واسطه‌ای عمل کرده است. برای اینکه متغیری نقش واسطه‌ای داشته باشد، باید دارای شرایط زیر باشد:

۱. میان متغیر واسطه‌ای و متغیر مستقل همبستگی معنادار باشد.
۲. میان متغیر واسطه‌ای و متغیر وابسته همبستگی معنادار باشد.
۳. با کنترل اثر متغیر واسطه‌ای رابطهٔ میان متغیر مستقل و وابسته تضعیف شود و میزان این تضعیف با میزان اثر متغیر واسطه‌ای رابطه داشته باشد (سرمد، ۱۳۷۸).

بحث و نتیجه‌گیری

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با توجه به ساختار علّی میان متغیرهای پژوهش و وجود متغیر واسطه‌ای جوعاطفی که از یک سو متغیر ملاک برای متغیر تاب‌آوری و از سوی دیگر متغیر پیش‌بین شادکامی است، از روش آماری تحلیل مسیر[1] و نرم‌افزار آماری لیزرل[2] ۸/۷۲ استفاده شده است که سه مفروضه خطی بودن[3] رابطه متغیرهای پژوهش، خوشه‌ای بودن علل[4] و همسویی متغیرها[5] در پژوهش حاضر نیز برقرار است.

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای جوعاطفی خانواده در رابطه میان تاب‌آوری و شادکامی بود. با توجه به نتایج برازش مدل براساس شاخصهای موجود (NFI، CFI،AGFI، GFI، RMSEA) برقرار است و می‌توان گفت که مدل تجربی از برازش لازم برخوردار است و

1. Path analysis
2. Linear Structural Relations (LISREL)
3. Linearity
4. Causal closure
5. Unitary variables

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.2.6]

جوعاطفی خانواده می‌تواند میانجی روابط تاب‌آوری با شادکامی باشد. با توجه به این یافته می‌توان بیان کرد که تاب‌آوری اعضای خانواده موجب افزایش جوعاطفی میان آنها می‌شود و این جوعاطفی ایجاد شده زمینهٔ لازم را برای برخوردار شدن آنان از سطوح بالاتر شادکامی فراهم می‌کند. از یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که رابطه میان شادکامی و تاب آوری یک رابطه ساده نیست و متغیرهای دیگر مانند جوعاطفی خانواده می‌توانند تأثیرگذار باشند.

با توجه به یافته‌های پژوهش به نظر می‌رسد که جوعاطفی خانواده تحت تأثیر تاب‌آوری قرار دارد و جوعاطفی نیز بر شادکامی اثرگذار است. در واقع با توجه به نتایج پژوهش حاضر جوعاطفی خانواده در رابطه این عوامل به مثابه واسطه عمل می‌کند. مقابله با تغییرات مهم زندگی، چالشهای سخت و یا یک فقدان دردناک بخش جدایی‌ناپذیر زندگی است. تاب‌آوری در محیط خانواده می‌تواند یک عامل کلیدی برای ایجاد جو مثبت و روابط دوستانه میان اعضای خانواده باشد. نوجوانانی که در جو خانوادگی منفی زندگی می‌کنند، در مقایسه با نوجوانانی که در محیطهای کارآمد زندگی می‌کنند، در مقابله با مشکلات کمتر از راهبردهای مسئله- مدار استفاده می‌کنند و در هنگام مشکلات راهبرد خاصی ندارند و تسلیم سرنوشت می‌شوند. این تبیین با نتایج پژوهشهای استرن و زیوان (۱۹۹۰) و نارانگ و کونترراس (۲۰۰۵) هماهنگ است.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر جوعاطفی خانواده به مثابه متغیر واسطه‌ای از طرفی با وسیله تاب‌آوری ایجاد می‌شود و از طرف دیگر این جوعاطفی مثبت ایجاد شده موجب ایجاد شادکامی و تحمل سختیها می‌شود. تاب‌آوری اعضای خانواده سبب می‌شود که فرزندان راهبردهای مناسب مقابله با مشکلات را کسب کنند و این جوعاطفی مثبت خانواده را در پی دارد. همچنین روابط مثبت میان والدین و فرزندان سبب یادگیری مهارتهای اجتماعی می‌شود، بنابراین در کنشها و واکنشهای خود از کنترل بیشتری برخوردارند. این یافته با نتایج پژوهش هلکر و وسنیتزا (۲۰۱۶) همخوانی دارد.

پژوهش حاضر نشان داد که تاب‌آوری همبستگی معناداری با شادکامی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت تاب‌آورها، مهارتها و نگرشهای خاص از جمله سخت‌کوشی و کنترل دارند. سخت‌کوشی به افراد کمک می‌کند تا در رویارویی با تغییرات تنش‌زا، دشواریها را به فرصتهایی مغتنم تبدیل کنند. شیوه‌های سازگاری فرد و ویژگیهای خانوادگی، او را یاری می‌دهند فشارها و شرایط نامساعد زندگی را تحت تسلط خود درآورد و در نتیجه در رویارویی با فشارها و تنشهای زندگی آشفته و پریشان نشود. به علاوه مقصود از کنترل، آن است که فرد به تواناییهای خود برای

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.2.6]

اثرگذاری بر نتایج رویدادها ایمان داشته باشد. این خود موجب احساس کارآمدی و در پی آن شادکامی می‌شود که این یافته با نتایج تحقیقات سوری و همکاران (۱۳۹۳)، ژائو (۲۰۱۲)، هابر و همکاران(۲۰۱۰) و قلی‌پور و همکاران (۱۳۹۵) هماهنگ است. به نظر می‌رسد تاب‌آوری عوامل محافظتی را تحریک می‌کند که هم از جنبه روانی و هم از جنبه اجتماعی خوش‌بینی افراد را نسبت به وقایع و تسلط بر محیط افزایش می‌دهد و در نتیجه به بهبود عملکرد فرد و بهداشت روانی و شادکامی او در آینده می‌انجامد.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که با افزایش نمرات جوعاطفی خانواده، نمرات شادکامی آنان نیز افزایش می‌یابد. این یافته یعنی هر چه جوعاطفی خانواده دارای استحکام و ارتباط سازنده باشد و روابط میان اعضای خانواده متعادل و متعالی باشد، آن خانواده دارای محیطی شاد و روابطی حسنه خواهد بود. این یافته با نتایج پژوهش توماس و آسلین (۲۰۱۸) و قلی‌پور و همکاران (۱۳۹۵) همسوست. همچنین با افزایش نمرات تاب‌آوری نمرات جوعاطفی آنان نیز افزایش می‌یابد که این حاکی از آن است که هر چه تاب‌آوری میان اعضای خانواده یعنی قدرت تحمل در برابر مشکلات و سختیها و ناملایمات زندگی در میان افراد که همان تاب‌آوری است، بیشتر باشد، جوعاطفی خانواده جوی مناسب و پویا خواهد بود و درک روابط میان اعضا مناسب و همراه با همدلی بیشتر خواهد شد. این یافته همسو با نتایج پژوهشهای هابر و همکاران (۲۰۱۰) است.

از آنجایی که تاب‌آوری و شادکامی میزان بالایی از کیفیت روابط میان شخصی را تبیین می‌کنند، پس می‌توان توجه به این عوامل را در کیفیت روابط میان- فردی مهم دانست، در نتیجه جوعاطفی خانواده که میان این متغیرها به مثابه واسطه عمل می‌کند، می‌تواند تأثیر بسیار از تاب‌آوری بپذیرد و خود نیز بر شادکامی افراد تأثیر بگذارد. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که افزایش استحکام و ارتباط سازنده در روابط میان اعضای خانواده موجب مشارکت داشتن در تصمیم‌گیریها می‌شود. این امر علاوه بر اینکه فرصت ابراز وجود و استقلال را برای آنها فراهم می‌آورد، به فضای عاطفی خانواده غنا می‌بخشد و اعضای خانواده حمایت اجتماعی خانواده را احساس می‌کنند. این جوعاطفی مثبت ایجاد شده میان اعضای خانواده شادکامی افراد را برمی‌انگیزد. تاب‌آوری افراد منجر به افزایش جو عاطفی مثبت، عزت نفس و اعتماد میان اعضای خانواده می‌شود و چنین خانواده‌ای از فعالیتهای اجتماعی لذت می‌برند. ایجاد روابط خوب و لذت بردن از این روابط از عوامل پیش‌بینی کننده شادکامی به شمار می آیند. این نتایج با پژوهشهای پارکر و بنسون (۲۰۰۵) همخوانی دارد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.2.6]

قائمی (۱۳۸۱) معتقد است که محیط خانواده تأثیری ژرف بر رفتار، روابط میان- فردی، عزت‌نفس، انتظارات و نگرشهای افراد می‌گذارد. محیط خانواده در پیش‌بینی شادکامی و نحوهٔ انطباق افراد تأثیری اساسی دارد. انسانها زمانی به شایستگی مطلوب دست پیدا می‌کنند که ساختارها و حمایتهای شایسته را در اختیار داشته باشند. وجود فضای عاطفی مثبت میان اعضای خانواده سبب می‌شود که افراد احساسات و عواطف خود را با سایر اعضای خانواده مطرح و با لذت بردن از فضای باز موجود سطح بالاتری از شادکامی را تجربه کنند. با توجه به نتایج پژوهش می‌توان بیان کرد که چنانچه نوجوانان به جوعاطفی مثبت خانواده مجهز نباشند، میزان شادکامی پایینی خواهند داشت. در مجموع نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نشان داد که تاب‌آوری اعضای خانواده موجب ایجاد جوعاطفی مثبت خانواده می‌شود و این امر زمینه‌های لازم را برای برخوردار شدن آنان از سطوح بالاتر شادکامی فراهم می‌آورد.

محدودیتهای پژوهش

یکی از محدودیتهای این پژوهش ابزارهای گردآوری اطلاعات است که نوعی خودگزارشی است. جامعهٔ آماری پژوهش حاضر شامل دانش آموزان مقطع دبیرستان است، از این‌رو در تعمیم یافته‌های آن به سایر دوره‌های تحصیلی باید احتیاط کرد. همچنین مدیران مدارس، آخر وقت کلاسهای مدارس، یعنی ساعت یازده و نیم به بعد را برای تکمیل پرسشنامه‌ها اختصاص داده بودند. بنابراین ممکن است خستگی دانش‌آموزان نحوهٔ پاسخدهی و صداقت در پاسخدهی به سؤالات را تحت تأثیر قرار داده باشد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.2.6]

منابع

پورتقی، زهرا. (۱۳۹۴). *اثربخشی آموزش برقراری ارتباط مؤثر بر شادکامی و رضایت زناشویی زنان متأهل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بروجرد.

جاودان، موسی. (۱۳۹۳). رابطهٔ خودبازبینی، جوعاطفی خانواده و مهارت‌های زندگی با پرخاشگری نوجوانان پسر. *فصلنامه شخصیت و تفاوت‌های فردی*، ۳ (۵)، ۱۲۵-۱۴۲.

جوکار، بهرام. (۱۳۸۶). نقش واسطه‌ای تاب‌آوری در رابطهٔ بین هوش هیجانی و هوش عمومی با رضایت از زندگی. *روانشناسی معاصر*، ۲ (۲)، ۳-۱۲.

رحمانی، پریسا و محب، نعیمه. (۱۳۹۰). بررسی شیوه‌های فرزندپروری و جو عاطفی خانواده کودکان مبتلا به اضطراب فراگیر و کودکان فاقد اضطراب. *فصلنامه علوم تربیتی*، ۴ (۱۳)، ۶۷-۷۸.

زارعی، سلمان و معصومی، تکتم. (۱۳۹۶). نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه جو عاطفی خانواده با انگیزش پیشرفت. *مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت*، ۴ (۴)، ۵۷-۶۸.

سامانی، سیامک؛ جوکار، بهرام و صحراگرد، نرگس (۱۳۸۶). تاب‌آوری، سلامت روانی و رضایت‌مندی از زندگی. *مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۳ (۳)، ۲۹۰-۲۹۵.

سراج‌خرمی، ناصر و صفرزاده، سحر. (۱۳۹۱). مقایسه ویژگی‌های روانشناختی، جو عاطفی خانواده و اندیشه‌پردازی خودکشی بین دختران فراری و عادی شهر اهواز. *یافته‌های نو در روان‌شناسی (روان شناسی اجتماعی)*، ۷ (۲۳)، ۱۲۹-۱۴۸.

سرمد، زهره. (۱۳۷۸). متغیرهای تعدیل‌کننده و واسطه‌ای: تمایزات مفهومی و راهبردی. *پژوهش‌های روانشناختی*، ۵ (۳-۴)، ۶۳-۸۱.

سوری، حسین؛ حجازی، الهه و سوری‌نژاد، محسن. (۱۳۹۳). رابطه تاب‌آوری و بهزیستی روان‌شناختی: نقش واسطه‌ای خوش‌بینی. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۵ (۱)، ۵-۱۵.

عابدی، محمدرضا؛ میرشاه جعفری، سیدابراهیم و لیاقت‌دار، محمدجواد. (۱۳۸۵). هنجاریابی پرسشنامهٔ شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان. *فصلنامه روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۲ (۲)، ۹۵-۱۰۰.

علی‌پور، احمد و نوربالا، احمدعلی. (۱۳۷۸). بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های تهران. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۵ (۱و۲)، ۵۵-۶۴.

علی‌پور، احمد و آگاه هریس، مژگان. (۱۳۸۶). اعتبار و روایی فهرست شادکامی آکسفورد در ایرانیها. *فصلنامه روانشناسان ایرانی*، ۳ (۱۲)، ۲۸۷-۲۹۸.

غلامعلی‌لواسانی، مسعود؛ راستگو، لیلا؛ آذرنیاد، آرش و احمدی، طاهر. (۱۳۹۳). اثر آموزش شادکامی به شیوه شناختی رفتاری بر باورهای خودکارآمدی و استرس تحصیلی. *دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری*، ۲ (۳)، ۱-۱۸.

قائمی، علی. (۱۳۸۱). *چگونگی تقویت و تثبیت نگرش و رفتار دینی در دانش‌آموزان*. بابلسر: نشر امیری.

قلی‌پور، زهرا؛ مرعشی، سیدعلی؛ مهرابی‌زاده هنرمند؛ مهناز و ارشدی، نسرین. (۱۳۹۵). تاب‌آوری به عنوان میانجی رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت و شادکامی. *فصلنامه روان شناسی تربیتی*، ۱۲ (۳۹)، ۱۳۵-۱۵۵.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.2.6]

کوتی، فرزانه؛ غلامرضا، رجبی و سودانی، منصور. (۱۳۸۶). رابطه جو عاطفی خانواده و حمایت اجتماعی با سلامت عمومی در دانش‌آموزان دختر پایه اول مقطع متوسط شهر اهواز. *فصلنامه علمی-ترویجی یافته‌های نو در روانشناسی*، ۲ (۵)، ۴-۱۸.

محمدی، مسعود. (۱۳۸۴). *بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری در افراد در معرض خطر سوء مصرف مواد*. رساله دکتری، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.

موسوی‌شوشتری، مژگان. (۱۳۷۶). *بررسی رابطه جوعاطفی خانواده با سازگاری فردی- اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم مدارس راهنمایی اهواز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

واحدی، شهرام؛ لطفی‌نیا، حسین و یوسفی‌شهیر، نعیمه. (۱۳۸۸). رابطهٔ شیوه‌های فرزندپروری و جو عاطفی خانواده با خلاقیت کودکان در مراکز پیش دبستانی شهر تبریز. *مجله زن و مطالعات خانواده*، ۱(۳)، ۱۰۷-۱۲۱.

Biswas-Diener, R., & Dean, B. (2010). *Positive psychology coaching: Putting the science of happiness to work for your clients*. Hoboken, NJ: John Wiley & Sons.

Bonanno, G. A. (2004). Loss, trauma, and human resilience: Have we underestimated the human capacity to thrive after extremely aversive events? *The American Psychologist, 59*(1), 20-28.

Brown, M. W., & Cudeck, R. (1993). Alternative ways of assessing model fit. In K. A. Bollen, & J. S. Long (Eds.), *Testing structural equation models* (p. 136-162). Newbury Park, CA: Sage.

Carr A. (2004). *Positive psychology: The science of happiness and human strengths.* New York: Psychology Press.

Conner, K. M., & Davidson, J. R. T. (2003). Development of a new resilience scale: The Conner-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). *Depression and Anxiety*, *18*(2), 76-82.

Csikszentmihalyi, M., & Rathunde, K. (2014). Adolescent happiness and family interaction. In *applications of flow in human development and education*: *The collected works of Mihaly Csikszentmihalyi* (p. 359-378). Dordrecht: Springer.

Draijer, N., & Langeland, W. (1999). Childhood trauma and perceived parental dysfunction in the etiology of dissociative symptoms in psychiatric inpatients. *The American Journal of Psychiatry*, *156*(3), 379-385.

Eddington, N., & Shuman, R. (2005). *Subjective well-being (happiness).* Retrieved from https://www.texcpe.com/html/pdf/ca/ca-happiness.pdf

Erickson, B. H. (2004). The distribution of gendered social capital in Canada. In H. Flap, & B. Völker (Eds.), *Creation and returns of social capital* in *a new research program* (p. 27-50). London, UK: Routledge.

Feicht, T., Wittmann, M., Jose, G., Mock, A., von Hirschhausen, E., & Esch, T. (2013). Evaluation of a seven-week web-based happiness training to improve psychological well-being, reduce stress, and enhance mindfulness and flourishing: A randomized controlled occupational health study. *Evidence-Based Complementary and Alternative Medicine*, 1-14. DOI: 10.1155/2013/676953

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.2.6]

Gong, X., & Paulson, S. E. (2017). Effect of family affective environment on individuals' emotion regulation. *Personality and Individual Differences*, *117*, 144-149.

Helker, K., & Wosnitza, M. (2016). The interplay of students' and parents' responsibility judgments in the school context and their associations with student motivation and achievement. *International Journal of Educational Research*, *76*(1), 34-49.

Hills, P., & Argyle, M. (2002). The Oxford Happiness Questionnaire: A compact scale for the measurement of psychological well-being. *Personality and Individual Differences, 33*(7), 1071-1082.

Hu, L.-T., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Structural Equation Modeling: A Multidisciplinary Journal*, *6*(1), 1-55.

Huber, C. H., Navarro, R. L., Womble, M. W., & Mumme, F. L. (2010). Family resilience and midlife marital satisfaction. *The Family Journal*, *18*(2), 136-145.

Ismail, M., Ramly, E. S., & Mohd Rasdi, R. (2008). Career aspirations of R&D professionals in Malaysian organizations. *The Journal of Human Resource and Adult Learning*, *4*(1), 210-217.

Kline, R. B. (2015). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford Publications.

Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, *30*(3), 607-610.

Lemery-Chalfant, K. (2010). Genes and environments: How they work together to promote resilience. In J. W. Reich, A. J. Zautra, & J. S. Hall (Eds.), *Handbook of adult resilience* (p. 55-78). New York, London: the Guilford Press.

Leong, F. T. L., Kao, E. M. C., & Lee, S. H. (2004). The relationship between family dynamics and career interests among Chinese Americans and European Americans. *Journal of Career Assessment*, *12*(1), 65-84.

Masten, A. S., & Wright, M. O'D. (2010). Resilience over the lifespan: Developmental perspectives on resistance, recovery, and transformation. In J. W. Reich, A. J. Zautra, & J. S. Hall (Eds.), *Handbook of adult resilience* (p. 213-237). New York, London: The Guilford Press.

Narang, D. S., & Contreras, J. M. (2005). The relationships of dissociation and affective family environment with the intergenerational cycle of child abuse. *Child Abuse & Neglect*, *29*(6), 683-699.

Navarro, R., Yubero, S., & Larrañaga, E. (2017). Cyberbullying victimization and fatalism in adolescence: Resilience as a moderator. *Children and Youth Services Review*, *84*, 215-221.

North, R. J., Holahan, C. J., Moos, R. H., & Cronkite, R. C. (2008). Family support, family income, and happiness: A 10-year perspective. *Journal of Family Psychology*, *22*(3), 475-483.

Parker, J. S., & Benson, M. J. (2005). Parent-adolescent relations and adolescent functioning: Self-esteem, substance abuse, and delinquency. *Family Therapy*, *32*(3), 131-142.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.2.6]

Phillips, S. P., Auais, M., Belanger, E., Alvarado, B., & Zunzunegui, M. V. (2016). Life-course social and economic circumstances, gender, and resilience in older adults: The longitudinal International Mobility in Aging Study (IMIAS). *SSM-Population Health*, *2*, 708-717.

Phillips, T. M. (2012). The influence of family structure vs. family climate on adolescent well-being. *Child and Adolescent Social Work Journal*, *29*(2), 103-110.

Sattler, K. M. P., & Font, S. A. (2017). Resilience in young children involved with child protective services. *Child Abuse & Neglect*, *75*, 104-114.

Sin, N. L., & Lyubomirsky, S. (2009). Enhancing well-being and alleviating depressive symptoms with positive psychology interventions: A practice-friendly meta-analysis. *Journal of Clinical Psychology*, *65*(5), 467-487.

Stern, M., & Zevon, M. A. (1990). Stress, coping, and family environment: The adolescent's response to naturally occurring stressors. *Journal of Adolescent Research*, *5*(3), 290-305.

Thomas, L. J., & Asselin, M. (2018). Promoting resilience among nursing students in clinical education. *Nurse Education in Practice*, *28*, 231-234.

Veenhoven, R. (2010). How universal is happiness. In E. Diener, J. F. Helliwell & D. Kahneman (Eds.), *International differences in well-being* (p. 328-350). New York: Oxford University Press.

Vinichuk, N. V., & Dolgova, M. V. (2016). The image of happiness among children with different levels of creativity. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *233*, 481-485.

Wright, M. O. D., Masten, A. S., & Narayan, A. J. (2013). Resilience processes in development: Four waves of research on positive adaptation in the context of adversity. In S. Goldstein, & R. B. Brooks (Eds.), *Handbook of resilience in children* (2nd ed., p. 15-37). Boston, MA: Springer.

Zautra, A. J., Hall, J. S., & Murray, K. E. (2010). Resilience: A new definition of health for people and communities. In J. W. Reich, A. J. Zautra, & J. S. Hall (Eds.), *Handbook of adult resilience* (p.3-29). New York, London: The Guilford Press.

Zhao, Y. (2012). *Exploring career aspirations of Chinese-American faculty members at selected higher education institutions in New York State.* Doctoral dissertation, St. John Fisher College, Rochester, New York.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.2.6]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.2.2.6]
[Downloaded from qjfr.ir on 2026-09-06]